

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانیم، حقوق کیفری کلاسیک نهادها و سازو کارهای خود را عمدتاً با توجه به بزهکار، عمل ارتكابی او و اوضاع و احوال موجود در زمان ارتكاب جرم بنا نهاده است. همه این نهادها در واقع برای تشخیص بزهکار از غیر بزهکار و درنهایت، کیفر بزهکار تنظیم و جهت گیری شده است. جرم‌شناسی نیز به تبع آن نخستین مطالعات خود را بر بزهکار و محیط او متمرکز نمود و از این طریق در مقام علت شناسی بزه‌کاری (مجرمیت) برآمد. از اواسط سده بیستم میلادی (حدود سالهای ۱۳۳۰ خورشیدی) به تدریج روابط پیش از عمل مجرمانه میان بزهکار و بزه‌دیده مستقیم توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد و بررسی عوامل بزه‌دیده‌زا (بزه‌دیدگی)، در کنار عوامل جرم‌زا (بزه‌کاری) وارد مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی شد و بدین‌سان رشته بزه‌دیده‌شناسی علمی (اولیه) متولد شد.



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی

بخشی از تقریرات درس

جرم‌شناسی

(بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

مجید صادق نژاد نائینی

بازبینی

دکتر مهرداد رایجیان اصلی

نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

دلایل توجه به بزه‌دیده (شاکلی / مجنی علیه)^۱ در دهه‌های اخیر

۱. دلیل حقوق بشری

دفاع از حقوق متهم و قائل شدن حقوقی برای او به موجب اصل برائت، همه به نام دفاع از انسان صورت می‌گیرد. یعنی متهم یک موجود انسانی است و باید حقوق و کرامت او در فرآیند کیفری حفظ شود (دادرسی عادلانه). در مورد بزه‌دیده هم این استدلال وجود دارد؛ یعنی به نام موازین حقوق بشری باید از قربانی جرم هم دفاع کرد، چون بزه‌دیده هم انسان است و دارای کرامت می‌باشد و باید حقوق او نیز در فرآیند کیفری ملحوظ گردد (رفتار منصفانه یا عادلانه).

۱. نکته: تفاوت بزه‌دیده و مجنی علیه:

مجنی علیه واژه فقهی است و در فقه و به تبع آن در حقوق کنونی ایران اختصاص به قربانی جرائم علیه اشخاص مثل قتل و ضرب و جرح دارد (جانی - مجنی علیه). اما بزه‌دیده که ترجمه فرهنگستان پهلوی اول می‌باشد، واژه عام است و ناظر به قربانی همه جرائم است. یعنی بزه‌دیده، قربانی همه جرائم را در بر می‌گیرد. البته وقتی بزه‌دیده شکایت می‌کند عنوان شاکلی به خود می‌گیرد. (م ۹ ق. آ. د. ک). از سوی دیگر، بزه‌دیدگان منحصر به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیستند، بلکه حیوانات و طبیعت نیز می‌توانند بزه‌دیده واقع شوند؛ مثلاً در جرائم زیست محیطی یا در قانون دیات ۱۳۶۱ برای انواع سگ دبه تعیین شده بود، چون سگ به نوعی دارای کارکرد اقتصادی - اجتماعی برای جامعه است. ماده ۲۰۷ تا ۲۰۹ قانون دیات ۱۳۶۱ به دبه انواع مختلف سگ پرداخته بود. ماده ۲۰۳ این قانون مقرر می‌داشت: دبه سگ به ترتیب زیر است: ۱- سگ شکاری - ۲- سگ درهم خواه آموزش یافته باشد یا نباشد ۳- سگ گله ۳۰ درهم ۴- سگ های منزل یا باغ ۲۰ درهم ۵- سگ مزرعه، محصول یک هکتار غله مانند گندم. تبصره - غیر از سگ های مذکور هیچ سگی ملک مسلمان نخواهد بود و اتلاف آن نیز ضمانتی ندارد. تبصره ۲- آنچه به عنوان دبه برای از بردن سگ بیان شد نباید از آن تجاوز نمود و چیزی را به عنوان قیمت سگ دریافت کرد.

۲. برابری سلاح‌ها (طرفین جرم)

در فرآیند دادرسی کیفری، حقوق شاکلی، مجنی علیه و دادستان و به طور کلی طرفهای دعوا باید باهم برابر باشد (اصل برابری سلاح‌ها)

۳. از منظر جرم‌شناسی / بزه‌دیده‌شناسی بالینی

تا به حال در جرم‌شناسی همواره صحبت از اصلاح و درمان مجرمین بوده است. مثلاً در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اصلاح مجرمین را تکلیفی برای قوه قضاییه دانسته است و این قوه دارای وظیفه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین است.

حال که سخن از اصلاح مجرم و اعاده او به اجتماع می‌کنیم، چرا سیاست بازپروری را راجع به بزه‌دیدگان به کار نبریم؟ مثلاً قربانیان خشونت جنسی یا قاچاق انسان. در واقع این افراد پس از تحمل این جرائم از حالت عادی خارج شده‌اند و نیاز به نوعی ترمیم دارند؛ چون تمامیت معنوی و روانی خود را از دست داده‌اند و صرف مجازات مجرم موجب تشفی خاطر آنها نمی‌شود و در کنار حمایت مادی نیاز به توجه و حمایت روانی و عاطفی نیز دارند. لذا در کنار کلینیک (درمانگاه) جرم، کلینیک بزه‌دیدگان هم موضوعیت می‌یابد. چون بزه‌دیدگان به خصوص، در جرائمی مانند همسر آزاری، کودک آزاری و خشونت‌های جنسی، نیاز به ترمیم‌های جسمی، عاطفی و هیجانی دارند. مثلاً قانون مجازات اسلامی برای زانی به عتف، مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده است، اما برای بزه‌دیده این جرم تدابیر دیگری اندیشیده نشده است. به همین جهت است که با تحولات علوم جنایی، اواخر سده ۲۰ و اوایل سده ۲۱ عصر حکومت شاکلی و به عبارتی بزه‌دیده‌مداری شده است. عده‌ای به این توجهی بیش از حد به بزه‌دیده ایراد گرفته‌اند و گفته‌اند که منجر به ظهور جنبشی علیه بزه‌کار و تشدید مجازات و سخت‌گیری نسبت به او شده است.

پاسخ ایراد

در همهٔ (جرائم)، بزه‌دیده در عمل مظلوم واقعی و مستحق حمایت نیست، بلکه گاهی در وقوع جرم نقش داشته است و بنابراین توجه به نقش و تأثیر او در تعیین مجازات مناسب برای مرتکب، مهم است. یعنی بزه‌دیده گاهی در فرایند ارتکاب جرم ممکن است محرک مرتکب بوده باشد و مستحق آنچه بر سرش آمده، بوده است. لذا بزه‌دیده به نوعی در وقوع جرم به عنوان عامل مؤثر بوده است.

بزه‌دیده شناسی علمی / اولیه / جرم‌شناسانه

در مقام علت‌شناسی جرم، علاوه بر بزهکار ((علل و عوامل شخصی، محیطی و وضعی)) باید به بزه‌دیده هم به عنوان عامل مؤثر در وقوع جرم توجه کنیم. بزه‌دیده در چارچوب عوامل وضعی یا عوامل موجود در آستانه ارتکاب جرم مطالعه می‌شود. علل وضعی، شرایط و اوضاع و احوال مُسرف بر ارتکاب جرم است که وقوع جرم را تسهیل یا دشوار می‌کند. مثلاً فرض بر این است که فردی که تصمیم به ارتکاب سرقت می‌گیرد، ابتدا بررسی می‌کند که در کجا و چه زمانی و از چه کسی یا چه چیزی را سرقت کند، حال ممکن است بزه‌دیده و رفتار و سن و موقعیت زمانی و مکانی او در ارتکاب جرم مؤثر باشد؛ این موارد ممکن است او را آماج جرم قرار دهد. مثلاً در سرقت حلی چون مال در حرز قرار داشته است و صاحب مال احتیاطات لازم را رعایت کرده است، لذا مرتکب مجازات شدیدی را تحمل خواهد کرد. اما اگر صاحب مال احتیاطات لازم را نکرده و آن را مثلاً در حرز قرار نداده باشد، در زمینه نگهداری و مراقبت قصور و کوتاهی کرده، لذا مجازات مرتکب از نوع تعزیر و خفیف‌تر می‌شود، یعنی بزه‌دیده به طور غیر مستقیم کمتر مورد حمایت کیفری قرار می‌گیرد. (بند ۳ م ۲۲ ق. م. ا.)

بررسی تاریخی

در سال ۱۹۴۸ میلادی (سه سال بعد از جنگ دوم جهانی) آقای هانتینگ-روان پزشک آلمانی تبار آمریکایی -، کتاب خود را با عنوان «بزهکار و بزه‌دیده او» در دانشگاه یل آمریکا به چاپ رساند و فصل آخر آن را به قربانی جرم اختصاص داد. بعد از او جرم‌شناسان آمریکایی با تأسی از کتاب او راجع به قتل، تجاوز به عُنف و کلاهبرداری به مطالعات علت‌شناختی پرداختند. سؤال اصلی آنها این بود که آیا بزه‌دیده (قربانی) این جرایم در ارتکاب جرم نقش داشته‌اند یا نه؟ قصور کرده‌اند یا نه؟ تحریک کرده‌اند یا نه؟... مثلاً بزه‌دیده کلاهبرداری، گاهی قربانی سودجویی و جاه‌طلبی و طمع بودن خود شده است.

گونه‌شناسی بزه‌دیده

۱. بزهکار – بزه‌دیده: (The doer – sufferer(victimizer- victimized)

فرد، بر اثر اوضاع و احوال شخصی-اجتماعی، به صورت پی‌درپی بزهکار و سپس بزه‌دیده می‌شود. مثلاً بزهکار خطرناکی که به زندان می‌رود و بعد از آزادی، شرکاء وی او را به قتل می‌رساند یا شخصی که ابتدا بزه‌دیده واقع شده در آینده ممکن است بزهکار شود. مثلاً کودکانی که در خانه یا مدرسه آزار دیده‌اند نوعاً در جوانی و نوجوانی به بزهکار تبدیل می‌شوند، خصوصاً بزه‌دیدگان جنسی که نوعاً به بزهکاران جنسی تبدیل می‌شوند (بزه‌دیده امروز، بزهکار فرداست). لذا بزهکاری و بزه‌دیدگی دو روی یک سکه هستند. مثلاً به کارگیری اطفال کم سن و سال در مخاصمات مسلحانه یا جرائم سازمان‌یافته که در واقع بزه‌دیده تلقی می‌شوند، ممکن است در بزرگسالی آنان را تبدیل به مجرم جنگی یا شکنجه‌گر کند.

یکی از آثار کاربُردی این تقسیم‌بندی، این است که در شرایطی می‌توان از بزه‌دیدگی و بزهکاری پیشگیری کرد، چون بزه‌دیدگان امروز، بزهکاران فردا هستند.

۲. بزه‌دیده بالقوه: The potential victim

در این تقسیم‌بندی، بزه‌دیده و بزه‌کار را از نظر بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی به نوعی به بره و گرگ تشبیه کرده‌اند. علت حمله گرگ به بره، خصوصیات بره از جمله ضعیف بودن و عدم مقاومت کافی اوست. برخی افراد به لحاظ سن، به لحاظ فیزیولوژیکی (جنسیت) و سایر خصوصیات، دارای ویژگی‌هایی هستند که بیشتر از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. در این دیدگاه، عده‌ای به عنوان "بزه‌دیده مادرزاد" و بالفطره مطرح شده‌اند (خصوصیات شخص باعث جلب بزه‌کاران می‌شود).

۳. بزه‌دیده مکرر

یعنی کسی که چندین بار متحمل جرم شده و دائماً قربانی جرم می‌گردد.

نکته: چه ملاک‌هایی باعث می‌شود که فرد بزه‌دیده بالقوه، آماج مناسب برای بزه‌کاران شود؟

(۱) خصوصیات شخصی.

(۲) خصوصیات اجتماعی.

ویژگی‌های شخصی مانند سن، جنسیت، نامتعادل بودن روانی (افسردگی و حالت سرمستی)، افراد را سیبل‌های مناسب برای بزه‌کاری می‌کند.

ویژگی‌های اجتماعی مثل خارجی یا مهاجر بودن، راننده تاکسی بودن، روان‌پزشک بودن.

در این زمینه تحقیقات مختلفی که انجام شده نشان می‌دهد که مثلاً افراد افسرده آماج مناسب‌تری برای بزه‌کار هستند یا مردانی که همسر خود را از دست داده‌اند و شدیداً متأثر و افسرده هستند، در این مقطع برای پُر شدن خلاء عاطفی و روانی ممکن است قربانی کلاهبرداری و سوءاستفاده زنان شوند. یا افراد سرمست از یک موفقیت نیز دقت و مراقبت عادی خود را از دست می‌دهند و آسان‌تر بزه‌دیده می‌شوند.

۲۶۳۶ مباحثی در علوم جنایی

فایده این تقسیم‌بندی این است که در این موارد باید به دنبال حمایت از این قبیل افراد در مقاطع زمانی مربوط باشیم. مثلاً افراد افسرده یا مجرد را بیشتر مورد حمایت قرار دهیم: پیشگیری از گذر هشدار دادن به افراد. مثلاً برای افراد کهنسال چون آسیب‌پذیر هستند تدابیری بیندیشیم. به عنوان مثال برای گرفتن حقوق ماهیانه بتوانند از کارت اعتباری استفاده کنند...

بزه‌دیده بالقوه شخصی است که به جهت شخصی و اجتماعی بیش از دیگران در معرض جرم قرار دارد. مثلاً ولگرد و متکدی در حقوق ایران بزه‌کارند، اما ممکن است بزه‌دیده واقع شوند، مثلاً مورد ضرب و شتم و سوءاستفاده واقع شوند.

توضیح اینکه، تعبیر بزه‌دیده بالقوه بیشتر برای تفکیک انواع بزه‌دیدگان از یکدیگر و چرایی بزه‌دیدگان آنان است.

پس، در کنار عوامل جرم‌زا که در جرم‌شناسی مطالعه می‌شود باید عوامل بزه‌دیده‌زا را نیز مطالعه کنیم و راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی را نیز مورد بررسی قرار دهیم، یعنی فرآیند بزه‌دیدگی را مطالعه کنیم.

بنیامین مندلسون یک آمریکایی رومانیایی‌تبار است که در کنار هنتینگ از بنیانگذاران بزه‌دیده‌شناسی است. او معتقد است که توجه حقوق کیفری بر متهم و محکوم متمرکز شده و بزه‌دیده به عنوان کُنشگر دیگر جرم فراموش شده است.

مندلسون معتقد است که علت توجه حقوق جزایی به بزه‌کار این است که وی موجودی متجاوز است و جامعه از او وحشت دارد و لذا تمامی قوانین جزایی حول متهم و بزه‌کار تعریف و تنظیم شده است. یکی از دلایل عدم توجه بزه‌دیده این است که او جامعه را تهدید نمی‌کند و مادام که تقاضای جبران خسارت نکند، جامعه زیاد دغدغه او را ندارد، چون برای جامعه خطری ندارد. مندلسون از "زوج کیفری" (۱۹۵۶) یاد می‌کند. (زوج کیفری = بزه‌کار و بزه‌دیده).

جرم‌شناسی ۲۶۳۷

اعتقاد متعارف بر این است که بزه‌کار ابتکار ارتکاب جرم را به دست می‌گیرد و بزه‌دیده هم جرم را به طور منفعلانه متحمل می‌شود. یعنی بزه‌کار مبتکر و بزه‌دیده منفعل و مظلوم است و بنابراین مستحق حمایت می‌باشد. مندلسون در کتاب خود می‌گوید: اتفاقاً شرایط عمومی بعضی اشخاص (روحی و جسمی) به گونه‌ای است که قدرت مقاومت و توانایی پایداری را از آنها در مقابل تهاجمات می‌گیرد. عده‌ای از نظر زیستی، روانی و اجتماعی نسبت به دیگران از درجه مقاومت کمتری برخوردار هستند. مثلاً فرد مست آسیب‌پذیر است. لذا او معتقد است که عده‌ای مستعد بزه‌دیده شدن هستند. ایراد دیگر او به این اعتقاد است که در ارتکاب جرم بزه‌کار، صددرصد مقصر است و بزه‌دیده هیچ تقصیری ندارد. مندلسون معتقد است که این تصویر از بزه‌دیده غلط است. بزه‌دیده همواره بی‌گناه نیست و از منظر علت‌شناختی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. لذا بین بزه‌کار و بزه‌دیده پنج نوع رابطه برقرار می‌کند و پنج نوع بزه‌دیده را از هم تفکیک می‌کند که البته با برخی گونه‌های هنتیگ هم‌پوشانی دارد.

گونه‌شناسی بزه‌دیدگان از دیدگاه هنتیگ

۱. بزه‌دیده کاملاً بیگناه (بزه‌دیده آرمانی)

این بزه‌دیده در وقوع جرم نقش و تقصیری ندارد مثل صغار و مجانین.

۲. بزه‌دیده جاهل یا ناآگاه یا دارای حداقل تقصیر

مثال: زن حامله‌ای که با وسایل غیربهداشتی دست به سقط جنین خود می‌زند و بدنبال آن هم خودش و هم جنین از بین می‌روند.

۲۶۳۸ مباحثی در علوم جنایی

۳. بزه‌دیده به اندازه بزه‌کار مقصر

مثلاً در قتل همراه با ترحم (اوتانازیا) که خود بیمار را علاج از پزشک یا پرستار تقاضا می‌کند که به او دارو ندهند یا از او مراقبت‌های لازم پزشکی به عمل نیاورند.

۴. بزه‌دیده بیش از بزه‌کار مقصر

مثل بزه‌دیدگان تحریک کننده (بند ۳ م ۲۲ ق. م. ا).

نکته: انگیزه، محرک قصد است و اصولاً در مسئولیت کیفری نقشی ندارد اما در مرحله تخفیف به آن توجه می‌کنند. انگیزه بیشتر یک امر جرم‌شناسی است که در حقوق جزایی نیز تا اندازه‌ای وارد شده است.

۵. بزه‌دیده برحسب مورد مقصر یا نامقصر

توضیح اینکه بزه‌دیده ممکن است در حالت دفاع مشروع باشد یا بزه‌دیده تخیلی باشد. مثل بزه‌دیده‌ای که بیماری روانی پارانوئید (بدبینی نسبت به دیگران) دارد و لذا ممکن است زمینه وقوع جرم علیه خود را فراهم کند. یا انسان‌های ماجراجو یا اشخاصی که مبتلا به هیستری هستند یعنی دچار هذیان فکری و انزوا طلب هستند. این افراد که مشکل روانی دارند و یا دیگران را دشمن خود می‌دانند یا خصومت دیگری را علیه خود فرض می‌کنند، حالت تهاجمی دارند و همواره مظلوم‌نمایی می‌کنند، بنابراین ممکن است بزه‌دیده شوند.

مندلسون در نهایت می‌گوید که: وقتی پرونده‌ای مطرح می‌شود نباید به شکل ظاهری و قانونی ارتکاب آن اکتفاء کنیم، نوع و میزان رنج بزه‌دیده نباید قاضی را از واقعیت دور کند، بلکه باید سهم او را نیز در نظر بگیرد تا بتواند مجرمیت واقعی بزه‌کار را برآورد کند. برای این کار باید از روان‌پزشکان، مشاوران و کارشناسان مربوطه استفاده نماید. بدین‌سان، برای صدور حکم متناسب و عادلانه وی باید اوضاع و احوال قبل از وقوع جرم را نیز لحاظ کند، که با این کار، بزه‌دیده یا آماج جرم که

جرم‌شناسی ۲۶۳۹

جزء عوامل موقعیتی یا وضعیتی (وضعیت ماقبل بزه‌کاری) محسوب می‌شود را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

وانگهی مندلسون با توجه به این پنج گونه بزه‌دیده معتقد است که جرم‌شناسان باید پیشگیری از جرم را هم متنوع کنند. تا کنون برای پیشگیری فقط به عوامل جرم‌زا توجه می‌شد، حال چون در مواردی وقوع جرم ناشی از رفتار بزه‌دیده است، لذا باید از پیشگیری از بزه‌دیدگی هم استفاده کنیم. یعنی افرادی را که مستعد بزه‌دیدگی هستند از موقعیت یا خصوصیات بزه‌دیده‌زایشان مطلع کنیم و بدین ترتیب از بزه‌دیدگی آنها جلوگیری نماییم. به عبارت دیگر، چون "زوج کیفی" است که بزه را خلق می‌کند بنابراین در پیشگیری هم باید هر دو را مورد توجه قرار دهیم.

از نظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری از بزه‌دیده واقع شدن فرد که به نوعی پیشگیری غیرمستقیم از جرم محسوب می‌شود، "پیشگیری وضعی-فنی" نام دارد.

نکته: ((جرم فرایندی است که دارای نقطه آغاز، جریان و سپس نقطه پایان که ارتکاب یا تحقق جرم است، می‌باشد. تقریباً در هیچ نظام حقوقی دنیا، بزه‌کار و بزه‌دیده تعریف حقوقی ندارد. در اسناد بین‌المللی بویژه در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۸۵) مربوط به اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان جرائم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، بزه‌دیده تعریف شده است، اما در حقوق داخلی تعریف نشده است.

حال، خلاصه‌ای از عقاید و پیشنهادات بنیامین مندلسون:

۱- برای صدور حکم مناسب و عادلانه لازم است در کنار پرونده شخصیت متهم، پرونده شخصیت بزه‌دیده هم تهیه گردد و کارشناسان مختلف در این مورد نظر بدهند و نباید صرفاً به رنج ظاهری بزه‌دیده توجه کرد.

۲- گونه‌شناسی بزه‌دیده کمک می‌کند تا از بزه‌دیدگی پیشگیری کنیم. بزه‌دیده‌شناسی مندلسون ما را به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی هدایت می‌کند که این

۲۶۴۰ مباحثی در علوم جنایی

امر در نهایت به طور غیرمستقیم منجر به پیشگیری از تکرار جرم می‌شود چون، هر جرمی حاصل جمع فرآیندی است که دو قطب دارد: بالقوگی مجرمانه و بالقوگی بزه‌دیدگی.

در موارد زیادی، شخصی به طور بالقوه آماده شدن مجرم شدن است و فرد دیگر هم، به طور بالقوه، مستعد برای بزه‌دیده شدن است.

دیدگاه مندلسون، ادامه جرم‌شناسی علت‌شناختی (علت‌شناسی علمی یا تحقیقی) است. مندلسون معتقد است که در ادامه‌ی این جرم‌شناسی که به تبیین و بررسی علل و عوامل وقوع جرم می‌پردازد باید در مقام علت‌شناسی وقوع جرم، سهم و نقش بزه‌دیده را نیز لحاظ کرد. لذا علت‌شناسی جرم ممکن است از علت‌شناسی بزه‌دیدگی نیز متأثر شود. جرایم همواره ناشی از عوامل محیطی یا شخصی مربوط به مرتکب نیست، بلکه بزه‌دیده نیز ممکن است در وقوع جرم نقش داشته باشد. بیش استعداد‌های روانی یا اجتماعی یا حرفه‌ای بزه‌دیده، او را مستعد بزه‌دیدگی می‌کند.

مندلسون، در گونه‌شناسی دیگری، بر اساس معیار روانی-اجتماعی بزه‌دیدگان را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱- گاهی بزه‌دیده علت جرم است یعنی خود مجنی علیه علت جرم است (به عبارتی، ماده‌ی ۶۳۰ ق.م.ا).

۲- بزه‌دیده بهبانه ارتکاب جرم است (مثل گروگان‌گیری برای اخاذی). در اینجا شخص به گروگان گرفته شده، موضوع جرم نیست بلکه کسب پول یا امتیازی پول موضوع جرم است.

در این موارد پیشنهاد بزه‌دیده‌شناسی این است که مثلاً خانم‌ها در مکان‌های عمومی به ویژه کم‌رفت و آمد از جواهرات خود استفاده نکنند یا در کیف دستی خود زیاد پول نگذارند...

جرم‌شناسی ۲۶۴۱

۳- بزه‌دیده نتیجه نوعی اجماع و توافق است (مثلاً پیمان خودکشی در حقوق کامن‌لا، یا دو نفر نامزد که با توافق تصمیم می‌گیرند همدیگر را بکشند).

۴- بزه‌دیده پیامد یک تصادف یا اتفاق است. بزه‌دیده چیزی را در اختیار دارد که اتفاقاً بزه‌کار به دنبال آن است. مثل بزه‌دیده‌ی جرایم تروریستی، که در اینجا خود بزه‌دیده مدّ نظر نیست بلکه هدف ایجاد رعب و وحشت است.

مندلسون گونه‌شناسی هتتینگ را توسعه داد و به همین دلیل، جرم‌شناسان او را به عنوان بنیانگذار بزه‌دیده‌شناسی علمی نیز می‌شناسند، چون انواع مختلف بزه‌دیده و راهکارهای مقابله با بزه‌دیدگی را به طور رسمی مطرح کرد. وی در اواخر عمرش حمایت از بزه‌دیده را هم مطرح کرد، لذا ابتدا به بزه‌دیده‌شناسی علمی و سپس در اواخر عمر به جنبه‌های حمایتی از بزه‌دیده نظر داشت (بزه‌دیده‌شناسی حمایتی).

در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، حمایت‌های معنوی، عاطفی، مادی و روانی مطرح است که مندلسون نیز آن را مطرح کرده است. یعنی فرد بزه‌دیده با تحمل جرم، آرامش روانی خود را از دست داده و با مجازات مرتکب، التیام نمی‌یابد، بلکه به مراقبت‌ها و درمان‌های روانی نیاز دارد تا به وضع قبل از تحمل جرم و آثار آن اعاده گردد. مثلاً در تجاوز به عنف، بزه‌دیده علاوه بر خسارت‌های مادی، خسارت روانی شدید را متحمل شده است که التیام آن، طولانی مدّت است و در حقوق ما پیش‌بینی نشده است.^۱ در کشورهای غربی، انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی و غیردولتی متشکل از بزه‌دیدگان سابق وجود دارد که به کمک این بزه‌دیدگان می‌آیند و به آنها کمک و مشاوره‌ی روانی می‌دهند. مثلاً در زنانی با محارم (که رقم سیاه آن بالا است) آلام روانی زیاد است و فرد بزه‌دیده نیاز به کمک و حمایت روانی دارد که این امر نیاز به یک فرایند تخصصی درمان و التیام دارد، یعنی حمایت‌های کیفی، مادی و معنوی کافی نیست،

۱. از جمله در ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، خسارت معنوی ذکر شده است. در این مورد، حیثیت انسانی دچار خسارت و صدمه شده است و نیاز به جبران دارد.

۲۶۴۲ مباحثی در علوم جنایی

بلکه حمایت‌های عاطفی- روانی هم لازم است. در پرونده‌ی خون‌های آلوده، دادگاه برای اولین بار شاکیان را مستحقّ دریافت خسارت معنوی می‌داند، چون مبتلایان به ویروس ایدز با نوعی بدبینی در جامعه روبرو می‌شوند و حیثیت آنان خدشه‌دار می‌شود، اما مشکلات عاطفی و روانی آنان با دریافت خسارت معنوی جبران نمی‌شود، بلکه نیاز به حمایت‌های عاطفی- روانی دارند...

جرم‌شناسی کاربردی (شاخه بالینی)، مجرم را بیمار و آسیب‌دیده که به نوعی قربانی قصور والدین و نهادهای مختلف جامعه و بنابراین مستحق اصلاح و درمان است، می‌داند. پس صحبت از کلینیک جرم است و زندان را به نوعی درمانگاه جرم می‌داند. برای پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی و مژمن شدن بزه‌دیدگی در یک فرد نیز باید به فکر بازپروری او بود؛ (یعنی حمایت‌های روانی و عاطفی و مادی موجب التیام و درمان بزه‌دیده می‌شود). مثلاً در جرایم خشونت‌آمیز، در کنار راهکارهای قضایی- حقوقی، باید راهکارهای درمانی و التیامی برای بزه‌دیده در نظر گرفت که این امر به "عنوان بزه‌دیده‌شناسی بالینی" و درمانگاه یا کلینیک بزه‌دیده مطرح می‌شود.

پس می‌توان گفت که امروزه سه نوع بزه‌دیده‌شناسی داریم:

۱- علت‌شناسی (علمی/جرم‌شناختی)

۲- حمایتی

۳- بالینی، که به نوعی بزه‌دیده‌شناسی کاربردی محسوب می‌شود.

نکته: الزام بزه‌کار به معذرت‌خواهی و دلجویی از بزه‌دیده بیشتر جنبه روانی دارد، اما جبران خسارت معنوی بیشتر جنبه اخلاقی و حیثیتی دارد. اصلاح ذات‌البین (در عدالت ترمیمی) در مواردی جنبه عاطفی و روانی دارد. به طور مثال، می‌توان شخصی را تصور کرد که عزیزی را از دست می‌دهد و بنابراین دچار رنج و درد می‌شود. برای ترمیم این اندوه، مراسم مختلفی برگزار می‌شود؛ برای اینکه شخص داغ‌دار بتواند به تدریج این واقعه را فراموش کند نیاز به همدردی و همدلی و هم‌احساسی اقوام و

جرم‌شناسی ۲۶۴۳

خویشان دارد تا سوگوار کم‌کم به شرایط عادی باز گردد. بعضی از بزهدیدگی‌ها هم همین‌طور اند. یعنی بزهدیده‌ای برای جبران خسارت‌های وارد به خود و اعاده به وضع سابق، نیاز به همراهی جامعه دارد تا با زمان واقعی جرم را فراموش کند.

گونه شناسی بزهدیدگان از دیدگاه عزت فتاح

عزت فتاح بزهدیده شناس در بُعد علمی آن است. یعنی به مطالعه نقش و سهم و موقعیت شخصی و اجتماعی بزهدیده در فرایند ارتکاب جرم اعتقاد دارد، به عنوان مثال بزهدیده تا چه اندازه اندیشه ارتکاب جرم را به متهم القاء کرده است؟

عزت فتاح معتقد است، همان‌طور که در بین بزهکاران، افراد از نظر سلامت روانی بهنجار و نابهنجار وجود دارد (مسئول، غیرمسئول یا به‌طور نسبی مسئول) و لذا به خاطر حالت روانی آنان، میزان مسئولیت کیفری متفاوتی در نظر گرفته می‌شود، در میان بزهدیدگان نیز این موضوع صادق است. یعنی عده‌ای از بزهدیدگان در ارتکاب جرم مقصر و عده‌ای بی‌گناه هستند. لذا "زوج کیفری" همواره به صورت زوج گناهکار (مقصر) مطلق و بی‌گناه مطلق نیست. بزهدیده همواره مظلوم و مستحق حمایت نیست، بلکه گاهی در ارتکاب جرم نقش دارد. در جرایمی که بزهدیده در ارتکاب آنها سهمی ندارد و در واقع بی‌گناه است و از خود در مقابل جرم مقاومت نشان داده است (معمولاً در جرایم شدید و همراه با خشونت) اما اگر بزهدیده مقصر باشد مثلاً جرم را تحریک کند یا منفعل باشد، در این صورت ممکن است جرم آثار وخیمی نداشته باشد، بنابراین در تعیین مجازات مرتکب، نقش بزهدیده باید ملحوظ شود.

لذا فتاح سه گونه بزهدیده را از هم جدا می‌کند:

۱- بزهدیده "متضرع" که ارتکاب جرم را به نوعی تقاضا می‌کند و متقاضی جرم است. مثلاً بزهکار را تحریک به ارتکاب جرم علیه خود می‌کند. (مثل اوتانازیا یا سقط

۲۶۴۴ مباحثی در علوم جنایی

جنینی که زن حامله با تضرع از پزشک تقاضای سقط جنین خود را می‌کند. در اینجا به لحاظ نقش بزهدیده مسئولیت پزشک تخفیف می‌یابد.

۲- بزهدیده آگاه که نتیجه‌ی عمل مجرمانه را می‌داند، مثلاً پسر و دختری با هم رابطه دارند و رضایت تا این مرحله وجود دارد اما در ادامه و در مقطعی پسر به عنف به وی تجاوز می‌کند. بدین ترتیب در این مقطع رضایت از بین رفته است. در اینجا گفته می‌شود که بزهدیده به نوعی آگاه از آثار رابطه خود بوده است و تا حدودی تقصیر دارد.

۳- بزهدیده‌ای که در وقوع جرم رضایتی ندارد، و بدون اطلاع از آثار عمل مجرمانه، جرم را تحریک کرده است. مثلاً مالک خودروی به لحاظ شتابی که برای انجام کار خود دارد، سوئیچ را در خودرو فراموش می‌کند و خودرو او با این کار به سرقت می‌رود. مالباخته ناآگاه از این کار خود بوده، اما با این عمل، ارتکاب سرقت را تسهیل کرده است یا شخصی که آزمند و طماع است و به همین دلیل بزه دیده کلاهبرداری می‌شود.

عزت فتاح سپس در یک طبقه‌بندی کلی بزهدیدگان را به پنج طبقه تقسیم کرد:

(۱) بزهدیده‌ای که در فرآیند جرم شرکت نمی‌کند (منفعل و ناآگاه).
(۲) بزهدیده بالقوه یا مستعد (به عبارتی همانند بره و گرگ). عوامل شخصی مثل سن یا موقعیت اجتماعی یا مشکل روانی که وی را مستعد بزهدیده شدن می‌کند.
(۳) بزهدیده تحریک کننده: یعنی شخصی که به طور غیر مستقیم جرم را تحریک می‌کند.

(۴) بزهدیده شرکت کننده در وقوع جرم (بزهدیده فعال): یعنی بزهدیده‌ای که مانع ارتکاب جرم علیه خود نمی‌شود و مقاومت نمی‌کند، بلکه گاه به استقبال آن هم می‌رود.

۵) بزه‌دیده تخیلی یا صوری یا غیر واقعی: مثلاً فرد به لحاظ اختلالات روانی مثل پارانوئید، خود را مظلوم و قربانی تلقی کرده و همواره خود را در معرض ارتکاب جرم و بزه‌دیده شدن می‌بیند. یا شخصی که خودزنی می‌کند تا مثلاً به سربازی نرود. در اینجا فرد، بزه‌دیده عمل خود شده است و کسی وی مجروح و مضروب نکرده است.

نکته: در بزه‌دیده شناسی علمی، گونه‌های بزه‌دیدگان گاه با هم تداخل پیدا می‌کند که مهم نیست. آنچه در این مقطع مهم می‌نماید، این است که بدانیم بزه‌دیده همواره مظلوم و قربانی نیست، بلکه گاه ممکن است مقصر بوده و یا در به حرکت درآوردن فرآیند ارتکاب جرم نقش داشته باشد.

گونه‌شناسی بزه‌دیدگان از دیدگاه شافر

شافر طبقه‌بندی دیگری انجام داده که معیار آن میزان مسئولیت بزه‌دیده در ارتکاب جرم است:

- ۱- بزه‌دیده بدون رابطه با بزه‌کار: یعنی بزه‌دیده قبل از ارتکاب جرم رابطه‌ای با بزه‌کار نداشته است،
- ۲- بزه‌دیده تحریک‌کننده،
- ۳- بزه‌دیده پیش‌قدم (فعال) که بزه‌کار را به خود جلب کرده است،
- ۴- بزه‌دیده دارای مشکلات بیولوژیکی و فیزیکی،
- ۵- بزه‌دیده دارای مشکلات اجتماعی مثل اقلیت‌ها، خارجی‌ها، مهاجران، ولگردان یا متکدیان که بیشتر از بقیه آسیب‌پذیر هستند،
- ۶- خود بزه‌دیده: کسانی که بزه‌دیده عمل خود هستند و باعمل خود، زمینه بزه‌دیدگی خودشان را فراهم نموده اند،

۷- بزه‌دیدگان سیاسی: شافر معتقد است که این گونه بزه‌دیده، فردی است که به لحاظ اندیشه و فعالیت‌های سیاسی و اصلاح‌طلبانه، زمینه بزه‌دیدگی خود را عمدتاً در کشورهای نامردم‌سالار- که همان ضرب و شتم و شکنجه باشد را فراهم کرده است.

بازتاب بزه‌دیده شناسی علمی (علت‌شناختی) در حقوق ایران

آیا بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق ایران انعکاس دارد؟ آیا در قوانین ایران می‌توان مواردی را یافت که مقنن به دلیل کوتاهی بزه‌دیده میزان مجازات مجرم را تخفیف دهد و به این طریق حمایت کیفری کمتری از او به عمل آورد؟

مواد ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۲، ۳۴۶ و ۳۲۲ با لحاظ ماده ۵۹ ق. م. ا، تبصره‌ی ماده ۳۵۵، بند ۳ م ۲۲ ق. م. ا. مواردی هستند که به دلیل تقصیر بزه‌دیده، میزان دیه کاهش می‌یابد یا قاضی می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و این تخفیف در مجازات مرتکب به طور غیر مستقیم به منزله حمایت کیفری کمتر از بزه‌دیدگان قصور کننده است.

بازتاب بزه‌دیده شناسی علمی در جرم‌شناسی کاربردی

همان‌طور که ذکر شد زوج کیفری همواره سیاه و سفید نیست، یعنی یکی کاملاً گناهکار و دیگری کاملاً بیگناه باشد، بلکه ممکن است خاکستری یا شیری رنگ باشد، بدین معنا که بزه‌دیده نیز در ارتکاب جرم دارای نقش و تأثیر باشد. جرم‌شناسی، همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم، از علوم مرکب است و از ترکیب رشته‌های مختلف به وجود آمده و تلفیقی از علوم تجربی و علوم انسانی است و بنابراین هم جنبه نظری و هم جنبه کاربردی دارد. جرم‌شناسی کاربردی به سه شاخه بالینی، پیشگیری و انتقادی یا حقوقی تقسیم می‌شود و ما به طور مختصر تأثیر یافته‌ها

جرم‌شناسی ۲۶۴۷

و مطالعات بزه‌دیده‌شناسی علمی و گونه‌شناسی‌های آن را در این سه شاخه بررسی می‌کنیم:

۱. در جرم‌شناسی پیشگیری

با توجه به اطلاعاتی که از انواع گونه‌های بزه‌دیده در پرتو مطالعات میدانی به دست می‌آوریم می‌توانیم برنامه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی را تنظیم کنیم. یعنی پیشگیری غیر مستقیم از بزهکاری (پیشگیری وضعی) که این نوع پیشگیری مبتنی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی است (پیشگیری وضعی از طریق پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد و ...).

۲. در جرم‌شناسی بالینی

این گرایش که به اصلاح و درمان مجرم می‌پردازد و بحث درمانگاه جرم در آن مطرح است، دارای معادلی در بزه‌دیده‌شناسی است و آن "بزه‌دیده‌شناسی بالینی" است. چون بزه‌دیده نیز، به خصوص در جرایم علیه اشخاص و جرایم خشونت‌آمیز، دچار صدمات جسمی، روانی و عاطفی شده است و نیاز به درمان و بازپروری دارد، لذا بحث کلینیک بزه‌دیده مطرح می‌شود که در آن به جبران خسارات و صدمات بزه‌دیده و التیام آن می‌پردازد. چون صرف مجازات مجرم نمی‌تواند آلام بزه‌دیده را التیام بخشد، بلکه نیاز به مداوا و ترمیم عاطفی - روانی و جسمانی مانند مشاوره‌های درمانی دارد.

۳. جرم‌شناسی حقوقی (انتقادی)

مقنن با توجه به یافته‌ها و نظریات بزه‌دیده‌شناسی علمی می‌تواند، شبیه بند ۳ ماده ۲۲ ق. م. ا. را به صورت تفصیلی بیان کند، نه به صورت کلی. مقنن باید حالات مختلف را به تفصیل تعریف و در اختیار قاضی قرار دهد تا قاضی با عنایت به آنها بتواند میزان مسئولیت هر یک را مشخص کرده و با توجه به میزان مسئولیت آنها، مجازات عادلانه تعیین کند و میزان خسارتی که بزه‌دیده متحمل شده است نیز

۲۶۴۸ مباحثی در علوم جنایی

مشخص شود. در اینجا به عنوان انتقاد بزه‌دیده‌شناختی می‌توان گفت که بند ۳ ماده باید - باتوجه به مطالعات و پژوهش‌های میدانی و بالینی - صریح‌تر و با تفصیل انشاء شود.

لذا یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در هر سه شاخه جرم‌شناسی‌های کاربردی نمود و ظهور دارد. به عبارت دیگر نیز می‌توان گفت که به موازات جرم‌شناسی کاربردی، بزه‌دیده‌شناسی کاربردی نیز وجود دارد، یعنی موارد پیش‌گفته را تحت عنوان «بازتاب بزه‌دیده‌شناسی علمی در بزه‌دیده‌شناسی کاربردی» دوباره بیان کرد.

جنبه‌های کاربردی بزه‌دیده‌شناسی

برای بزه‌دیده‌شناسی نیز می‌توان سه (شاخه) کاربردی در نظر گرفت:

۱. بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه

در پیشگیری وضعی که مصداق بحث ما در اینجا است، ارتکاب جرم حاصل جمعه سه شرط است:

۱- وجود شخص مرتکب

۲- وجود آماج یا بزه‌دیده

۳- بی‌دفاع بودن آماج یا بزه‌دیده

بزهکار، شخصی است که به لحاظ عوامل محیطی، خانوادگی یا به لحاظ خصوصیات شخصی و ارثی گرایش به ارتکاب جرم دارد و شخصیت مجرمانه را اکتساب کرده و جمع خصوصیات ذاتی و اکتسابی چنین مجرم بالقوه‌ای را به وجود آورده است.

وجود آماج جرم محافظت نشده و بی‌دفاع مثل خودروبی است که دزدگیر یا مراقب ندارد. نمونه دیگر زندانبانی که در دوران طفولیت در خانواده یا جامعه مورد اذیت و آزار واقع شده یا شاهد خشونت بوده است، بعداً در جریان انجام وظایفش

مرتکب خشونت و اذیت و آزار نسبت به اطفال کانون اصلاح و تربیت می‌شود و خشونت متحمله را در دوران بزرگسالی و به مناسبت شغلش به افراد بی‌دفاع باز تولید می‌کند

آماج جرم در پیشگیری از بزه‌دیدگی و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری نقش دارد. بدین ترتیب، پیشگیری وضعی یا فنی، بزه‌دیده مدار است.

پیشگیری وضعی

۱. تقویت حفاظت از آماج‌ها یا بزه‌دیدگان جرم

مثلاً، با ساخت پارکینگ در برج‌های مسکونی یا تقویت روشنایی خیابان‌ها (رویت‌پذیر کردن آماج‌ها) از سرقت خودرو پیش‌گیری می‌شود.

۲. ایجاد و ساخت فضاهای قابل دفاع در مقابل جرم

یعنی توجه به ملاحظات جرم‌شناسی در معماری و شهرسازی و ساخت و ساز معابر عمومی. مثلاً در آمریکا "شهرک‌های خصوصی" ایجاد کرده‌اند که با دیوار، نرده و گماردن نگهبان، ساکنان و اموال آنان حفاظت می‌شوند. بدین ترتیب در کنار معمار، یک جرم‌شناس نیز در این زمینه نظر می‌دهد.

پیشگیری فنی از جرم را با بیان چند نمونه تبیین می‌کنیم: اخیراً کوچه‌ها را اصلاح مهندسی می‌کنند چون برخی از آنها تصادف‌خیز است. مثالی دیگر در این زمینه، ایجاد پل‌های هوایی عابر در بزرگراه‌ها است که نقش آن جلوگیری از مرگ و میر و جراحات ناشی از تصادف است. یا در کنار خیابان‌ها یا بزرگراه‌ها نرده نصب می‌شود تا عابران ناگهان وارد مسیر خودروها نشوند.

در پیشگیری وضعی چه از طریق تقویت آماج‌ها یا ایجاد فضاهای قابل دفاع از جرم پیشگیری می‌کنیم. در پیشگیری وضعی و فنی مرکز ثقل، آماج جرم یا بزه‌دیده است (چه شخص باشد یا شیئی). این پیشگیری نوعی پیشگیری غیرمستقیم از جرم است.

ایراد:

پیشگیری وضعی ممکن است جامعه را به جامعه امنیتی تبدیل کند و رفت و آمد و انتخاب افراد را محدود کند. همچنانکه از نظر اقتصادی، ممکن است هزینه‌ها را افزایش دهد و برای بزه‌دیده هزینه‌دار باشد.

تفاوت پیشگیری وضعی و فنی

پیشگیری وضعی: در واقع ناظر به برهم زدن اوضاع و احوال، موقعیت و فضایی است که امکان ارتکاب جرم در آن بیشتر است. این نوع از پیشگیری معادله جرم را بر هم می‌زند و موقعیت ارتکاب جرم از مرتکب بگیرد.

پیشگیری فنی: با ایجاد یک سلسله اصلاحات فنی - مهندسی در ساخت و ساز، خودرو خیابان‌ها، معابر عمومی، ساختمان‌ها و ... فرصت ارتکاب جرم محدود می‌شود. مثلاً برای پیشگیری از اختلاس به جای استفاده از دفاتر، از رایانه و فن‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود تا امکان سوءاستفاده کمتر - با شفافیت بخشیدن به حسابها - شود.

۲. بزه‌دیده شناسی حقوقی - انتقادی

همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم، باید به بند ۳ ماده ۲۲ ق. م. ا. اشاره کنیم. بزه‌دیده‌ای که به نوعی در ارتکاب جرم نقش داشته است، موجب تخفیف مجازات مجرم می‌شود. می‌توانیم پیشنهاد اصلاحات در این بند بکنیم و همان‌طور که قبلاً اشاره شد مفاد بند ۳ ماده ۲۲ را تفصیل دهیم و حالت‌های مختلف را برای کمک به قاضی مشخص و تعریف کنیم. زیرا رفتار و گفتار تحریک‌آمیز، در بند ۳ خیلی کلی است.

۳. بزه‌دیده شناسی بالینی یا درمانگاه بزه‌دیدگی

همان‌طور که در جلسات قبل توضیح داده شد، جرم‌شناسی بالینی، یعنی بررسی حالت خطرناک مجرم به منظور اصلاح و درمان او با هدف پیشگیری از تکرار جرم. (پرونده

شخصیت برای آنها تنظیم کرده و راه‌کار اصلاحی-درمانی مناسب را تجویز می‌کنیم تا بزه‌کار مرتکب تکرار جرم نشود). برای مثال در ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی، این تدابیر، علاوه بر مجازات، در حکم می‌آید چون هدف از اقدامات تأمینی و تربیتی مجازات نیست بلکه اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم است.

بزه‌دیده شناسی بالینی، چنان‌که توضیح داده شد، بازپروری بزه‌دیده است، به منظور پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی در جرایمی مثل جرایم خشونت‌آمیز، بزه‌دیده متحمل درد و رنج می‌شود (جسمانی، روانی و عاطفی). با اعمال مجازات نسبت به مجرم این دردها لزوماً تسکین نمی‌یابد. بزه‌دیدگان نیاز به حمایتی غیر حمایت قضایی نیز دارند و رؤیت مجازات مجرم بخشی از تسکین آلام او است. لذا امروزه کلینیک بزه‌دیده تعریف و ایجاد می‌شود. ابتدا سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های مدنی (مثلاً انجمن حمایت از زنان کُتک‌خورده یا حمایت از قربانیان جرم تجاوز به عُنف یا حمایت از کودکان آزار دیده) تأسیس شدند که به نوعی از ابتکارات جامعه مدنی است و خودجوش است. کسانی که خودشان در گذشته قربانی این جرایم بوده‌اند، این سازمان‌ها و جمعیت‌ها را ایجاد می‌کنند تا به صورت داوطلبانه قربانیان جرائم خاصی را ترمیم کنند و با دادن مشاوره به آنان، آلام‌شان - به ویژه دردهای عاطفی و مشکلات روانی- را التیام دهند تا بزه‌دیده جرم و آثار آن را کم‌کم فراموش کند و خشونت مستقر در ذهن وی با تدابیر درمانی از بین برود. در کلینیک بزه‌دیده، به جبران مادی نمی‌پردازیم، چون جبران مادی خسارات یک امر قضایی است و دستگاه قضایی انجام می‌دهد. در این کلینیک به رفع خساراتی توجه می‌کنیم که نامرئی است اما وجود دارد و بزه‌دیده را جریحه‌دار کرده و وی را از نظر روانی- عاطفی غیراجتماعی و حتی ضداجتماعی کرده است. چه بسا در مواردی از بزه‌کار نیز در برنامه‌های بازپروری بزه‌دیده استفاده شود.

ویژگی‌های کلینیک بزه‌دیده

۱- مددکار اجتماعی یا بزه‌دیده‌شناس ابتدا بررسی می‌کند که آیا شخصی که خود را بزه‌دیده معرفی می‌کند، واقعاً بزه‌دیده است یا اینکه بزه‌دیده صوری و تخیلی است؟ (بزه‌دیده‌نما است یا بزه‌دیده واقعی است؟). مثلاً در حریق‌های عمدی که مرتکب انبار یا مغازه‌اش را به آتش می‌کشد تا از بیمه خسارت بگیرد، ابتدا بررسی می‌شود که آیا این حریق عمدی است یا مجرمانه؟ لذا در وهله اول باید دید که فرد بزه‌دیده خودش مرتکب حریق شده است یا نه؟ آیا واقعاً بزه‌دیده است؟

در جرایم تجاوز جنسی، آیا بزه‌دیده واقعاً رضایت نداشته است یا اینکه منفعل بوده است؟ در این زمینه می‌توانیم از کارشناس، مشاوران و روان‌پزشکان بهره‌جوییم. بی‌تردید این اقدامها برای درمان بزه‌دیده مؤثر است.

۲- مرحله بعد خصیصه و ماهیت بزه‌دیدگی چیست؟ همان‌طور که پزشک، بیمار را معاینه می‌کند تا بیماری را تشخیص دهد و بعد دارو تجویز می‌کند، در کلینیک بزه‌دیدگی نیز ماهیت بزه‌دیدگی، یعنی خسارت و درد و رنج ناشی از جرم برآورد می‌شود. در خصوص تشخیص نوع بزه‌دیدگی مددکار یا بزه‌دیده‌شناس به دنبال اندازه‌گیری ضربه روحی، جسمانی و عاطفی است که از گذر ارتکاب جرم به فرد وارد شده است. انواع بزه‌دیده مانند بزه‌دیده مالباخته، بزه‌دیده‌ای که فرزندش را به گروگان گرفته‌اند، بزه‌دیده‌ای که جواهرات به ارث رسیده به او را در چارچوب سرقت از دست داده است، بزه‌دیده‌ای که فرزندش را در قتل از دست داده است و ... در همه این موارد، بزه‌دیده نیاز به حمایت عاطفی، روانی و گاه معنوی دارد، که میزان و نوع حمایت در کلینیک بزه‌دیده برآورد می‌شود.

۳- در خصوص بزه‌دیدگان، مددکاران اجتماعی یا بزه‌دیده‌شناسان به دنبال این هستند که آیا بزه‌دیده-ای که به عنوان شاکی اقدام کرده‌اند، از فرایند رسیدگی به شکایت خود در دادگستری یا کلانتری یا از رفتار قاضی یا وکیل خود راضی هست؟

جرم‌شناسی ۲۶۵۳

چون در کلینیک بزه‌دیده مشاهده شده که پاره‌ای از بزه‌دیدگان، بیشتر درد و رنجشان و شکایاتشان بیشتر ناشی از رفتار مقام‌های پلیسی-قضایی است تا جرمی که متحمل شده‌اند.

لذا در کلینیک بزه‌دیده دو نوع بزه‌دیدگی از هم تفکیک می‌شوند:

(۱) بزه‌دیدگی ناشی از تحمل جرم (بزه‌دیدگی اولیه یا اصلی) که جنبه حقوقی و قضایی دارد.

(۲) بزه‌دیدگی ثانوی یا فرعی: یعنی ناملایمات و فشارهایی که شاکی از زمان اقامه شکایت در کلانتری تا مراحل مختلف رسیدگی در دادسرا و دادگاه، به لحاظ رفتار مقامات قضایی یا پلیس، متحمل شده است و به جای ترمیم و توجه، مورد بی‌توجهی و خشونت واقع شده و به بزه‌دیدگی اصلی او، یک سلسله ناملایمات جدید اضافه شده که آثار آن گاه برای شاکی خیلی شدیدتر از تحمل جرم و آثار آن است.

لذا امروزه در کنار تضمین‌های حقوقی پیش بینی شده برای بزه‌دیده، یک حق دیگر نیز برای او قائل می‌شوند با عنوان ((ترمیم آلام ناشی از رجوع به دادگستری)). مثلاً پوشش مطبوعاتی دادن به رسیدگی و گرفتن عکس و انعکاس آن در رسانه‌ها و یا طولانی شدن فرآیند رسیدگی ممکن است بزه‌دیدگی ثانوی را برای شاکی ایجاد نمایند.

۴- در این کلینیک‌ها، بعد از برآورد میزان خسارت جسمانی، روانی و عاطفی، با ارائه نظرات مشورتی به دادگاه سعی می‌شود در صدور و ماهیت حکم مورد توجه قرار گیرد. در قوانین ما، جبران خسارت معنوی آمده است که ناظر به آثار حیثیتی و اجتماعی جرم است. اما در حقوق ایران به جبران خسارات روانی و عاطفی توجهی نشده است، این خسارات نامرئی هستند و به هر حال ترمیم آنها طولانی و زمان‌بر است. لذا بزه‌دیده چه گناهکار و چه بی‌گناه در ارتکاب جرم، آثار نامطلوب آن را

۲۶۵۴ مباحثی در علوم جنایی

تحمل کرده و مستحق حمایت‌ها و همراهی‌های مختلف است. در نهایت، هدف یا رسالت عمده بزه‌دیده‌شناسی بالینی و درمانگاه جرم، اعاده روانی و عاطفی بزه‌دیده به شرایط قبل از تحمل جرم است، که در پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی او نیز مؤثر است.

۵- ویژگی دیگر کلینیک بزه‌دیده: جبران خسارت‌های مادی است که قبلاً به آن اشاره شد. امروزه جبران خسارت مادی توسط کمیسیون‌های خسارت‌زدایی بزه‌دیدگان، صندوق تضمین خسارات قربانیان اعمال تروریستی و سایر جرایم خشونت‌آمیز صورت می‌گیرد که تأسیس آنها در حقوق بعضی کشورها (مثل فرانسه) پیش‌بینی شده است که در چارچوب نظام قضایی عمل می‌کنند و به نوعی مُعین و مکمل کار دادگاهها، دادرها و پلیس هستند.

کتاب شناسی مختصر

- ۱- آشوری (محمد). نقش زیان‌دیده از جرم در دعاوی کیفری و تحول آن. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۳۴. ۱۳۷۴.
- ۲- توجهی (عبدالعلی). سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان. مجله مجتمع آموزش عالی قم. سال اول. شماره چهارم. زمستان ۱۳۷۸.
- ۳- رایجیان اصلی (مهرداد)، بزه‌دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- ۴- عبدالفتاح (عزت). از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری. شماره ۹.
- ۵- کرمی (محمد باقر). سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیده. نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری. سال اول. شماره چهارم. زمستان ۱۳۷۵.
- ۶- کی‌نیا (مهدی). بزه‌دیده شناسی یا مجنی علیه شناسی. نشریه حقوق. دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری. شماره ۱. سال ۱۳۷۰.
- ۷- مجله حقوقی دادگستری، ویژه عدالت برای بزه‌دیدگان، شماره ۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴
- ۸- مرتضوی (نسرین)، بزه‌دیده شناسی زنان. نشریه امنیت. وزارت کشور. شماره (۳) ۱۳۷۶.
- ۹- ویانو (امیلیو). بزه‌دیده شناسی. ترجمه نسرین مهرا. مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۱۹ و ۲۰. بهار ۷۶ تا پائیز ۱۳۷۶.
- ۱۰- کاری‌یو - CARIO - (روبر)، بزه‌دیده‌شناسی (Victimologie)، انتشارات هارماتان، پاریس، ۲۰۰۶ (به زبان فرانسه).